



۲۰۱۶/۰۳/۰۸

عبدالعلی نور احراری

زن مظهر زیبایی و نیکی



چو زن از روضه رضوان فرود آمد به تقدیری
تجلی کرد زیبایی، جهان را داد تنویری



همه زیبایی عالم بیایی در وجود زن
نبودی گر وجود او، ز خلقت رفته تقصیری
زمین شد از جمالش مظهر زیبایی و نیکی
فلک هرگز ندیده این چنین زینده اکسیری
تصور کی توان کردن جهان را بی وجود زن
نه معنایی محبت را، و نه از عشق تعبیری
نباشد مهر و الفت، زیب و زینت گر نباشد زن
شود این زندگی شام سیاه و صبح دلگیری
زمین نازد، زمان نازد بتو هفت آسمان نازد
کشیدم از مقام شامخت از شعر تصویری
به وصف تو سخن گفتم، ولی افسوس کم گفتم
چو گویم بیشتر، آید به قلب ناکسان تیری
تو ای دُر دانه خلقت، سزاواری بسی حرمت
نشین بر مسند عزت که داری رای و تدبیری

کنم حسن ختام این سخن از قول پیغمبر (ص)
"نماز و عطر و زن را دوست میدارم"، به تقریری